

پانزده تعریف از مدیریت اطلاعات

زیور صباغی نژاد^۱، غلامرضا حیدری^۲

چکیده

هدف: هدف اصلی این پژوهش، توجه به مفهوم مدیریت اطلاعات است. اطلاعات قابلیت گسترش دارد، اشاعه می‌یابد، تغییر می‌کند و تغییر ایجاد می‌کند و نیاز به مدیریت و اداره دارد. بنابراین لازم است به مفهوم مدیریت اطلاعات توجه شود.

روش: نوع این پژوهش کتابخانه‌ای است که به روش مرور منابع انجام می‌گیرد. برای استخراج تعاریف و تاریخچه مربوط به مدیریت اطلاعات به منابع چاپی و الکترونیک مختلف (امرالده، سایتس دایرکت، پروکوئست و وب‌آوساینس) مراجعه شد و تعاریف از آن‌ها استخراج شدند. **یافته‌ها:** پس از تحلیل و بررسی تعاریف موجود، مدیریت اطلاعات بدین صورت تعریف می‌شود: به‌کارگیری اصول مدیریتی و ابزارهای مناسب با هدف دسترس پذیر کردن اطلاعات ارزشمند، در زمان و مکان و قالب مناسب با کمترین هزینه برای افراد مناسب به منظور بهبود و ارتقا تصمیم‌گیری.

نتیجه‌گیری: تعاریف متعدد موجود از مدیریت اطلاعات، از جنبه‌های مختلف به این مقوله نگاه کرده‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت متغیر اطلاعات و نقش‌های مختلف آن، تعریف مدیریت اطلاعات نیز همواره در حال تغییر است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت اطلاعات، تحول تاریخی، تعریف، اطلاعات نوین، مدیریت نوین اطلاعات

^۱ عضو هیأت علمی گروه کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

^۲ عضو هیأت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

اطلاعات عامل حیاتی برای هر سازمان محسوب می‌شود. هر سازمانی برای تحقق اهداف خود و رسیدن به موفقیت باید بتواند منابع مختلفی که در اختیار دارد را کنترل کند. این منابع در طیف وسیعی قرار می‌گیرند که شامل منابع اطلاعاتی، انسانی و ... باشد. مدیریت اطلاعات با هدف کنترل منابع اطلاعاتی صورت می‌گیرد. با توجه به ماهیت هر سازمان، محتوای منابع اطلاعاتی نیز متفاوت خواهد بود، بعنوان مثال، بیت و بایت در پایگاه‌های اطلاعاتی رایانه‌ای در سازمان‌های محاسباتی، تصاویر در سازمان‌های هنری، منابع چاپی و الکترونیکی در کتابخانه‌ها، یا حتی تکه‌ای کوچک کاغذ در فایل‌های مدیران. یکی از پیش فرض‌هایی که در این رابطه باید به آن توجه شود اینست که چنانچه با عبارت "مدیریت اطلاعات" موافق باشیم، این پیش فرض را پذیرفته‌ایم که اطلاعات قابل مدیریت کردن (اداره کردن و کنترل) هستند. بدون در نظر گرفتن اینکه ماهیت منابع اطلاعاتی سازمان اساساً چه هستند، آنچه اهمیت دارد اینست که اطلاعات در هر شکل و قالبی، با هر محتوایی، و با هر منشائی نیاز به مدیریت دارد.

کتابخانه عموماً منبع اصلی اطلاعات در هر سازمانی محسوب می‌شود. چه بسا بخش زیادی از اطلاعات غیر رسمی در کتابخانه حضور دارند. چراکه کتابخانه بعنوان واحدی که افراد سایر واحدها به آن مراجعه می‌کنند و محلی است که افراد سازمان‌ها از قسمت‌های مختلف و در سطوح مختلف در آنجا حضور خواهند داشت، جزء واحدهایی است که با اطلاعات غیر رسمی و البته سازمانی بیشتری در تماس است. بنابراین در کتابخانه توجه به مدیریت یا اداره این اطلاعات اهمیت بیشتری خواهد یافت.

ساده‌ترین شکل مدیریت اطلاعات شامل مهارت‌های دستیابی به اطلاعات، فناوری‌های اطلاعاتی، منابع اطلاعاتی و خدمات مربوط به این زمینه است و لازمه آن درک صحیح از جریان اطلاعات درون و بیرون سازمان است. با توجه به نوع فعالیت و برون‌داد مدیریت اطلاعات، می‌توان گفت تنها با حضور مدیریت اطلاعات است که می‌توان به تشخیص اطلاعات درست از نادرست رسید و حتی کتابخانه می‌تواند به عنوان کانالی برای پالایش اطلاعات محسوب شود و سازمان در شرایط مختلف بتواند از مستندات و فعالیت‌های حاصل از مدیریت اطلاعات در کتابخانه استفاده کند.

مدیریت اطلاعات یکی از عباراتی است که کاربرد آن در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی، از بسامد بالایی برخوردار است. حتی گاهی آن را مترادف با رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی (علم کتابداری) بکار می‌برند. بررسی‌های نگارندگان نشان داد که در رابطه با مدیریت اطلاعات مطالب متعددی ارائه شده است. در برخی از این آثار، تعاریف مدیریت اطلاعات ارائه شده‌اند، مدل یا چرخه یا فرایند را بیان کرده‌اند، به اصول مدیریت اطلاعات توجه کرده‌اند، در برخی موارد به مقایسه مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش پرداخته‌اند و مواردی مشابه این. ولی آنچه این اثر بدنبال آن است، توجه به مفهوم مدیریت اطلاعات است. پرداختن به ماهیت و چیستی مدیریت اطلاعات پایه سایر بررسی‌های مربوط به مدیریت اطلاعات خواهند بود.

مفهوم مدیریت اطلاعات، آنقدر حائز اهمیت بوده است که بعنوان یکی از دروس اصلی دوره دکترای علم اطلاعات و دانش‌شناسی مطرح شده است، آن هم به روش سمینار. اگرچه محتوای سرفصل این درس نیز خود بعنوان مساله‌ای مطرح است ولی به نظر می‌رسد هدف از این امر، توجه بیشتر به ماهیت مدیریت اطلاعات بوده است و هدف کمیته تخصصی تدوین سرفصل‌های دانشگاهی این بوده است که در کلاس‌های مربوط به این درس، به بحث و بررسی مفهوم مدیریت اطلاعات در کنار سایر جنبه‌های آن پرداخته شود. با توجه به گستردگی این مفهوم، امکان بررسی و توجه به تمامی ابعاد مدیریت اطلاعات در یک اثر امکان‌پذیر نیست. با این وجود همچنان، مفهوم عمیق و دقیق‌تر مدیریت اطلاعات روشن نیست. همانگونه که مالکوم چیسوم^۱ در کتاب خود با عنوان "تعاریف مدیریت اطلاعات: راهنمایی برای بنیان‌گذاری فراداده معنایی" اشاره می‌کند، مدیریت اطلاعات زمانی می‌تواند استفاده شود که مفهوم آن درک شود و مفهوم آن وقتی درک می‌شود که تعاریف کافی در این زمینه ارائه شود. از این رو چنانچه بتوانیم به تعاریف مربوط به آن توجه کنیم، نخستین گام در راستای تبیین این مفهوم برداشته شده است. جهت تبیین مساله اصلی این اثر، توجه به این سوالات می‌تواند راهگشا باشد. مدیریت اطلاعات از کجا و چه زمانی شروع شده است؟ مدیریت اطلاعات به چه شکل‌هایی تعریف شده است و آیا این تعاریف جامع و کامل بوده‌اند؟ مساله اصلی این اثر، پرداختن به تعاریف مربوط به مدیریت اطلاعات است. این مساله به خودی خود چند مساله دیگر را نیز در درون

^۱Malcolm Chisholm

خود جای می‌دهد. یکی از این مسائل این است که اساساً مدیریت اطلاعات چیست و چه جنبه‌هایی را در بر می‌گیرد؟ از جنبه‌های مختلف به مدیریت اطلاعات نگاه شده است. برای این حوزه می‌توان نگرش‌های مختلفی متصور شد: نگرش ملی، بین‌المللی، رشته‌ای، فرایندی در یک حوزه خاص، مدرک‌گرا و غیره. این اثر از نگاه رشته‌ای به مدیریت اطلاعات توجه کرده است. گروهی که از نظر تاریخی در نظریه‌پردازی درباره اطلاعات پیشروتر هستند، نگاهی فنی و تکنولوژیکی به آن دارند، برخی آن را همان کتابداری یا علم اطلاعات و دانش‌شناسی می‌دانند و گروهی آن را نمودی از نظریه‌های مدیریت و پارادایمی در مدیریت به حساب می‌آورند. و برخی آن را یک مفهوم میان‌رشته‌ای می‌دانند و معتقدند این مفهوم در رشته‌های زیادی حضور دارد و هر رشته فراخور ماهیت رشته خود، تعریفی از مدیریت اطلاعات ارائه کرده است.

یکی از روش‌هایی که می‌توان جهت تبیین مفهوم در هر زمینه‌ای از آن استفاده کرده، توجه به تعاریفی است که صاحب‌نظران و سایر پژوهشگران در آن رابطه ارائه داده‌اند. از این رو در ادامه ابتدا سیر تحول تاریخی مدیریت اطلاعات ارائه می‌شود. سپس برخی از تعاریفی که تاکنون از مدیریت اطلاعات صورت گرفته است ارائه می‌شوند. سپس هرکدام از این تعاریف مورد بررسی و تشریح قرار می‌گیرند و در انتها، تعریف نگارندگان این اثر ارائه می‌شود و مولفه‌های موجود در تعریف ارائه شده، مورد تشریح قرار می‌گیرند.

روش‌شناسی پژوهش

نوع این پژوهش کتابخانه‌ای است و به روش مرور منابع انجام می‌گیرد. برای استخراج تعاریف و تاریخچه مربوط به مدیریت اطلاعات به منابع چاپی و الکترونیک مختلف مراجعه شد و تعاریف از آن‌ها استخراج شدند. با توجه به پژوهش‌هایی که در این راستا انجام گرفته است، مشخص شد هر کدام از جنبه‌ای متفاوت به این مفهوم نگاه کرده‌اند. از این رو، برای وسعت بخشیدن به عمق مفاهیم، و برای درک اینکه انتشارات علمی موجود در این زمینه از چه جنبه‌هایی به مساله نگاه کرده‌اند، عبارت دقیق "information management" در ۴ پایگاه امرالد، ساینس دایرکت، پروکوئست و وب آو ساینس جستجو شد که نتایج بدین صورت بودند: امرالد ۱۶۳ رکورد، ساینس دایرکت ۱۹۳۹ رکورد و پروکوئست ۳۹۶۶۲ رکورد و وب آو ساینس ۳۳۷۹ رکورد. ولی در میان این پایگاه‌ها امکان تفکیک موضوعی بعد از انجام جستجو بر اساس مقوله،

تنها در پایگاه وب آوساینس وجود داشت. توجه به آمار انتشارات موجود در پایگاه وب آوساینس (WoS) پس از محدود کردن جستجو به عبارت دقیق "information management" حاکی از آن است که در این زمینه ۳۳۷۹ رکورد موجود است. که سه جایگاه اول موضوعی به ترتیب عبارتند از علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی با ۷۷۵ رکورد، علوم رایانه با ۶۲۵ رکورد و علوم مهندسی با ۵۴۸ رکورد و مابقی به سایر رشته‌ها اختصاص داشته‌اند. این آمار بیان‌گر این نکته است که بیشترین توجه به این موضوع در حیطه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی بوده است. از آنجا که یکی از ویژگی‌های پژوهش علمی، عدم جهت‌گیری است، در این پژوهش از جنبه خاصی به تعاریف مدیریت اطلاعات توجه نشده است و تعاریف در حیطه‌های مختلف (مدیریت، کتابداری و اطلاع‌رسانی، فناوری اطلاعات و ...) ارائه شدند و همچنین سعی شده است سیر تحول تاریخی نیز بدون جهت‌گیری ارائه شود.

سیر تحول تاریخی مدیریت اطلاعات

مدیریت اطلاعات به صورت سنتی سابقه‌ای دیرینه دارد. اما علیرغم اهمیت و گسترش مدیریت اطلاعات بعنوان یک فعالیت، حرفه، برون‌داد و... از اواسط قرن نوزدهم، توجه کمی به ابعاد تاریخی آن شده است. بعبارتی تاریخ‌شناسان و متخصصان اجتماعی از این لحاظ به مدیریت اطلاعات کم توجهی کرده‌اند.

در طول سال ۱۹۷۰، مدیریت اطلاعات تا حد زیادی محدود به تصویر، تعمیر و نگهداری از فایل‌ها و مدیریت چرخه عمر فایل‌های مبتنی بر کاغذ، رسانه‌ها و سوابق بود. با گسترش فناوری اطلاعات در سال ۱۹۷۰، کار مدیریت اطلاعات افق جدیدی یافت و شروع به فعالیت در زمینه تعمیر و نگهداری داده‌ها نمود. زمانی که ذخیره‌سازی اطلاعات به وسایل الکترونیکی وابسته شد، مدیریت اطلاعات نیز پیچیده‌تر و دشوار شد. در اواخر سال ۱۹۹۰ زمانی که اطلاعات به طور منظم در سراسر شبکه‌های رایانه‌ای و همچنین سایر وسایل الکترونیکی منتشر شد، مدیران شبکه، به یک معنا، مدیران اطلاعات شدند. این گروه از افراد خود را با وظایفی پیچیده سخت-افزاری و نرم‌افزاری مواجه دیدند که روز به روز بر میزان این پیچیدگی اضافه می‌شد (ویکی پدیا، تاریخ دسترسی ۱۳۹۳/۵/۵).

دهه ۱۹۴۰ میلادی با ابداع اولین رایانه‌های الکترونیکی و سپس ایفای نقش فعال این رایانه‌ها

در فرایندهایی مانند پیش‌بینی هوا، بذر اولیه مدیریت اطلاعات پاشیده شد. مدیریت اطلاعات در این رایانه‌ها در فرایندهای گردآوری اولیه اطلاعات، پردازش و بکارگیری آن‌ها در راستای پیش‌بینی هوا، از اهمیت قابل توجهی برخوردار بود. در دهه ۱۹۶۰ با ظهور برنامه‌های مختلف رایانه-ای و میکرو رایانه‌ها، فناوری رایانه تلاش می‌کرد تا جای خود را در منازل باز کند و به دنبال آن فردی‌سازی این فناوری مورد توجه بیشتری قرار گرفت. از این رو توجه به بحث مدیریت اطلاعات اکنون در بعد وسیع‌تری به چشم می‌خورد.

قبل از دهه ۱۹۸۰، پردازش در رایانه‌ها هنوز به صورت مرکزی بود و پردازش رومیزی^۱ انجام نمی‌گرفت. تعداد محدودی از افراد که عمدتاً کارکنان سازمان‌ها بودند، می‌توانستند پردازش داده را انجام دهند و طبعاً در این شرایط تمام امور به صورت کاغذی^۲ انجام می‌شد. در دهه ۱۹۸۰، بر روی میز هر فردی در محل کار، یک رایانه دیده می‌شد. شبکه‌سازی و اتصال رایانه‌ها به یکدیگر در قالب شبکه میسر شد. پردازش اطلاعات از حالت صرفاً مرکزی خارج شد و به دنبال آن ذخیره اطلاعات نیز از مرکزیت خارج شد و می‌توانست بر روی رایانه‌های افراد صورت گیرد. در این زمان بود که بذر مدیریت اطلاعات که تا کنون در نهفتگی به سر می‌برد و در حال ریشه دواندن در نهان بود، جوانه زد و برون‌داد بیشتری پیدا کرد. ویلسون^۳ در سال ۱۹۸۹، بیان می‌کند که مدیریت اطلاعات، مدیریت منابع اطلاعاتی یک سازمان است و مدیریت تکنولوژی-های اطلاعاتی را نیز در بر می‌گیرد (ویلسون، ۱۹۸۹).

در اواسط دهه ۱۹۸۰، مدیریت اطلاعات تحت تاثیر دو رویداد قرار گرفت:

۱. مجله مدیریت پردازش داده‌ها به عنوان مجله مدیریت اطلاعات تغییر نام داد.
۲. انجمن کتابخانه‌های تخصصی^۴ بعد از گذشت پنجاه سال از تأسیس، نام خود را به موسسه مدیریت اطلاعات تغییر داد (راویچاندرا راثو، ۱۹۹۹).

^۱Desktop Processing

^۲DP: Done on Paper

^۳Wilson

^۴ASLIB

در دهه ۱۹۹۰، با ابداع شبکه جهانی وب، شبکه‌سازی جهانی، ظهور انواع خدمات الکترونیک مانند تجارت الکترونیک، اقتصاد الکترونیک، پست الکترونیک و ارسال فوری پیام، بحث مدیریت اطلاعات رونق بیشتری پیدا کرد. چراکه حضور افراد در فضای کسب اطلاعات قدرتمندتر شده بود و هر فرد می‌توانست اطلاعات خود را بیابد و ذخیره کند. توجه به بحث مدیریت اطلاعات در این دهه به جایی رسید که گام را از تعاریف فراتر گذاشت و در سال ۱۹۹۸، چو^۱ مدلی را برای مدیریت اطلاعات ارائه می‌کند که شامل ۵ گام اساسی است: شناسایی نیازهای اطلاعاتی، کسب اطلاعات، سازماندهی و ذخیره اطلاعات، اشاعه اطلاعات و به کارگیری اطلاعات. هرکدام از این مراحل ۵ گانه نیازمند طراحی، سازماندهی، هماهنگی و کنترل مجموعه، از فعالیت‌هایی است که به پشتوانه فناوری اطلاعات صورت می‌گیرند. بر اساس نظر چو، مدیریت اطلاعات عامل کلیدی در ایجاد و بکارگیری دانش در سازمان است و باید منجر به "سازمانی هوشمند" شود (چو، ۱۹۹۸).

مدیریت اطلاعات در کتابخانه‌ها به قرن نوزده بر می‌گردد. کتابخانه ادوارد ادواردز^۲ به عنوان یکی از اولین کتابخانه‌های عمومی شناخته می‌شود. ادوارد ادواردز در خاطرات خود به اهمیت مدیریت اطلاعات در کتابخانه اشاره می‌کند و آن را جزء شرح وظایف کتابداران می‌شمارد (ادواردز، ۱۸۵۹).

روباک و ثورن^۳ نیز از اهمیت توجه مدیران کتابخانه‌ها به اجرای مؤثر مدیریت اطلاعات در کتابخانه اشاره می‌کنند. در اوایل قرن ۲۰، شماره‌ای از مجله کارکنان کتابخانه عمومی کرویدون^۴ منتشر شد (کرویدون کرنک، ۱۹۰۸) که در آن از سیستم اطلاعات پیچیده مدیریت اطلاعات اعضا و مراجعان کتابخانه صحبت شده بود. طی این مطلب به مقدمات عضوگیری و نحوه مرتب کردن اطلاعات، جدول‌بندی و ... سایر مواردی که لازم است در زمینه اعضا به ویژه اعضای کتابخوان

^۱Choo

^۲Edward Edwards

^۳Roebuck & Thorne

^۴Croydon

به آن توجه کرد، اشاره شده بود. همچنین تأکید زیادی به نظم الفبایی یا عددی در سیستم شده بود و هدف از کلیه موارد بیان شده، مدیریت اطلاعات اعضا بوده است (روبک و ثورن، ۱۹۰۴). ویگند^۱ معتقد است کتابداران اولیه نه تنها از اهمیت مدیریت اطلاعات آگاه بودند، بلکه در این راستا تلاش می‌کردند و علاقه‌مندی خود را نشان می‌دادند (ویگند، ۱۹۹۶). بلک و برون^۲ معتقدند این مفهوم از زمان آغاز جنبش مدرن کتابخانه‌های عمومی شکل گرفته است و در آن زمان شامل مدیریت اطلاعات اعضا، مدیریت اطلاعات مربوط به منابع و مدیریت اطلاعات مالی بوده است. بلک و برون معتقدند کتابداران حتی در پذیرش فناوری در راستای گسترش خدمات کتابخانه و امور مدیریت اطلاعات، نیز دید گسترده‌ای داشتند و آمادگی پذیرش آن را از خود نشان می‌دادند. در حوزه دسترسی عمومی، سازماندهی و توزیع اطلاعات برای عموم، کتابداران اولین مدیران اطلاعات تخصصی محسوب می‌شوند (بلک و برون، ۱۹۹۹).

برخی از تعاریف مدیریت اطلاعات

در این قسمت برخی از تعاریف عمده مربوط به مدیریت اطلاعات ارائه می‌شوند. تعاریف بر اساس زبان/زمان تفکیک شده‌اند. بدین صورت که ابتدا تعاریف مؤلفان غیر ایرانی ارائه شده‌اند و سپس تعاریف مربوط به مؤلفان ایرانی. درون هر زبان نیز ترتیب تعاریف از قدیم به جدید می‌باشد. سپس این تعاریف مورد تحلیل قرار می‌گیرند و نهایتاً وجه اشتراک تمامی تعاریف ارائه می‌شوند. پس از جمع‌بندی این قسمت، تعریف نگارندگان این اثر از مدیریت اطلاعات ارائه خواهد شد.

^۱Wiegand

^۲Black & brunt

جدول ۱. تعاریف ارائه شده از مدیریت اطلاعات

تعریف	تعریف کننده / سال	
هماهنگی موثر و کارآمد اطلاعات از منابع داخلی و خارجی.	وایت ^۱ / ۱۹۸۵	۱
ابزاری است که با استفاده از آن یک مرکز حداکثر بهره وری ای که در نظر دارد را از گردآوری، کنترل، پردازش، اشاعه و استفاده از اطلاعات کسب می کند و بدینوسیله اطمینان حاصل می کند که ارزش آن اطلاعات شناسایی شده و در حد مطلوب از آن بهره برداری می شود.	ویکرز ^۲ / ۱۹۸۵	۲
بکارگیری اصول مدیریت در راستای مجموعه سازی، سازماندهی، کنترل، اشاعه و بکارگیری اطلاعات به منظور عملکرد موثر انواع سازمانها.	ویلسون ^۳ / ۱۹۹۷	۳
مدیریت اطلاعات را می توان بعنوان پاسخ و کشف ابزارهای جدید بهبود یافته ای که برای کنترل انفجار اطلاعات طراحی می شوند، معنی کرد که در نتیجه برای حل پیچیدگیهای تصمیم گیری بکار می رود تا با اصلاح جریان، کنترل و تولید اطلاعات مناسب به تصمیم گیرندگان کمک کند.	رولی ^۴ / ۱۹۹۸	۴
فرایند ای است که کسب اطمینان از شناسایی و دریافت ارزش اطلاعات را نیز در بر می گیرد و بیانگر ابزارهایی است که به وسیله آن یک سازمان بصورت کارآمد، اطلاعات خود را برنامه ریزی، گردآوری، سازماندهی، استفاده، کنترل، اشاعه و سامان می دهد.	لافان ^۵ / ۲۰۰۱	۵
اعمال کنترل ماهرانه بر گردآوری، سازماندهی، ذخیره، ایمنی سازی، بازیابی و اشاعه اطلاعات و منابع اطلاعاتی لازم برای تضمین موفقیت کاری یک سازمان است که شامل دبیزش، مدیریت اسناد و زیر ساخت های فنی می شود.	ریتس ^۶ / ۲۰۰۴	۶
عمل بهبود استفاده از اطلاعات و جریان آن به منظور اختصاص ارزش افزوده به اطلاعات است که همزمانی که بعنوان ناظر فعالیت می کند، به بهبود تجزیه و	الیس ^۷ / ۲۰۰۹	۷

^۱white^۲vickers^۳wilson^۴rowley^۵laffan^۶reitz^۷ellis

تحلیل، دقت، مدیریت سیستماتیک و کیفیت اطلاعات منجر شده و می تواند بعنوان تسریع کننده و تسهیل کننده (کاتالیزور) در فرایند تصمیم گیری عمل کند.		
هماهنگی اقتصادی، کارآمد و موثر در فرایند تولید، کنترل، ذخیره سازی، بازیابی و اشاعه اطلاعات از منابع خارجی و داخلی، به منظور بهبود عملکرد سازمان.	بست ۱ / ۲۰۱۰	۸
روشی که با استفاده از فن آوری، به گردآوری و پردازش اطلاعات با هدف مدیریت کارآمد می پردازد.	واژه نامه فناوری اطلاعات گارتنر	۹
بکارگیری تکنیک های مدیریت به منظور گردآوری اطلاعات و اشاعه آن در درون و بیرون سازمان و پردازش آن تا بدینوسیله مدیران قادر باشند تا تصمیمات سریعتر و بهتر بگیرند	واژه نامه تجارت ۲	۱۰
بکارگیری اصول مدیریت برای فراهم آوری، سازماندهی، کنترل، اشاعه و بکارگیری اطلاعات به منظور اجرای موثر و کارآمد در سازمانها و موسسات	دایره المعارف بین المللی کتابداری و اطلاع رسانی	۱۱
دانش و توانایی برنامه ریزی، هدایت و کنترل فرایند تولید، فراهم آوری، سازماندهی، دسترسی و اشاعه اطلاعات	فتاحی / ۱۳۸۳	۱۲
بکارگیری مراحل و مهارتهای مدیریتی مناسب و استفاده از ابزارها و فن آوری های مناسب در فرایند تولید، فراهم آوری، سازماندهی، پردازش، اشاعه و استفاده از اطلاعات درون و بیرون سازمانی به عنوان عنصر اصلی در سازمان در راستای دستیابی به اهداف و مقاصد سازمانی	حسن زاده / ۱۳۸۴	۱۳
توانایی در جمع آوری، نگهداری، بازیابی، اشاعه و در دسترس ساختن اطلاعات درست، در مکان و زمان مناسب، برای افراد شایسته با کمترین هزینه، در بهترین محل اطلاعاتی برای بکارگیری در تصمیم گیری.	یوسفی / ۱۳۸۵	۱۴

۱. وایت در تعریف خود، به کلیت مدیریت اطلاعات اشاره می کند. اما در این تعریف که بر اساس بررسی ها و جستجوهای نگارندگان، جزء نخستین تعاریف مدیریت اطلاعات محسوب می شود، تنها به هماهنگی اطلاعات و منبع تأمین اطلاعات توجه شده است. در این تعریف سایر مؤلفه هایی که در راستای مدیریت اطلاعات حائز اهمیت هستند، دیده نمی شوند. مؤلفه هایی

^۱ best

^۲Business dictionary

مانند بعد زمانی و مکانی، قالب ارائه اطلاعات، هزینه‌های مربوط به این فرایند، و از همه مهم‌تر هدف از این فرایند.

۲. ویکرز معتقد است مدیریت اطلاعات در حقیقت تنها با اسناد، پیام و داده در تماس نیست. بلکه با کل ساختار اطلاعات سروکار دارد. او خصوصیات و مشخصه‌های مدیریت اطلاعات را بدین صورت بیان می‌کند:

۲-۱: اطلاعات نیاز به مدیریت مناسب دارد.

۲-۲: در ساده‌ترین سطح، مدیریت اطلاعات شامل: برنامه‌ریزی و هماهنگی موارد مربوط به مهارت‌های دستیابی به اطلاعات، فن‌آوری اطلاعات، منابع و خدمات اطلاعاتی است.

۲-۳: لازم است مدیریت اطلاعات به پیشرفت‌های جدید، بیشتر و دقیق‌تر توجه کند، چراکه این پیشرفت‌ها می‌توانند به مدیریت بهتر منابع اطلاعاتی کمک کنند.

۲-۴: مدیریت اطلاعات نیازمند درک درست از الگوهای جریان اطلاعات در درون سازمان بوده و سپس مستلزم ابزارهای سیستماتیک برای ترسیم و نظارت بر این جریان‌هاست.

در این تعریف به ابعاد مهمی از مدیریت اطلاعات توجه شده است. به استثنای توجه به بعد زمان و مکان و هزینه‌های مربوطه که در این تعریف دیده نمی‌شود، سایر ابعاد در این تعریف به خوبی جا گرفته‌اند. علاوه بر این یکی از تعاریفی است که به هدف نهایی پرداخته است. ویکرز معتقد است هدف نهایی مدیریت اطلاعات (به عنوان یک ابزار) این است که بتواند ارزش اطلاعات را شناسایی کند و در حد مطلوب از آن بهره‌برداری کند. اینجا بحث ارزش‌گذاری اطلاعات مطرح شده است که حاکی از آن است که هدف اصلی مدیریت اطلاعات، چیزی فراتر از کاربردهای سنتی آن است. در این تعریف با شیوه بیان کل‌نگری، سعی نموده است احتیاط لازم را حفظ کند و نهایتاً تعریف به صورتی شکل گرفته است که به نظر می‌رسد با حضور عوامل نوین در مدیریت اطلاعات مشکلی ندارد. به عبارتی دیگر اگرچه یکی از قدیمی‌ترین تعاریف در حیطه مدیریت اطلاعات محسوب می‌شود ولی برای مدیریت نوین اطلاعات نیز سطح پذیرش خواهد داشت.

۳. ویلسون در توضیح تعریف ارائه شده خود، اشاره می‌کند که اطلاعات، در این تعریف، همه انواع اطلاعات با ارزش‌های مختلف را در بر می‌گیرد، چه منشأ داخلی سازمانی داشته باشد و چه منبع خارج سازمانی. نهایتاً به این نکته می‌رسد که مدیریت اطلاعات با ارزش، کیفیت، مالکیت، استفاده و امنیت اطلاعات در بستر فعالیت‌های سازمانی سروکار دارد. ولی در این تعریف اشاره‌ای به ابزار مدیریت اطلاعات، مؤلفه‌های زمان، مکان، قالب اطلاعات، هزینه‌های مربوطه و جامعه‌ای که قرار است اطلاعات در دسترس آن‌ها قرار گیرند مشخص نیست.

۴. رولی به نقش مهم مدیریت اطلاعات در تصمیم‌گیری توجه می‌کند. یکی از جنبه‌هایی که در این تعریف به خوبی به چشم می‌خورد، توجه به پدیده انفجار اطلاعات است. او معتقد است مدیریت اطلاعات می‌تواند برای این مسأله، راه حلی داشته باشد. این راه حل می‌تواند در قالب ابزار یا راهکار قرار گیرد. به عبارت دیگر در دنیای امروز چنانچه در ابتدای امر ابزار یا راهکاری برای کنترل انفجار اطلاعات نداشته باشیم یا این راهکار/ابزار مناسب نباشند، در هدف مدیریت اطلاعات تأثیرگذار خواهند بود و چه بسا منجر به بهترین تصمیم‌گیری نشود. در این تعریف نیز بعد زمان، مکان، هزینه و قالب دیده نمی‌شود.

۵. در تعریف لافان توجه به اطلاعات ارزشمند به چشم می‌خورد. یکی از ابعادی که در تنها در بخش کوچکی از تعاریف موجود دیده می‌شوند. اما با وجود اینکه تأکید این تعریف بر سازمان است هیچ نکته‌ای که بیان‌گر حضور اصول مدیریت در این فرایند باشند دیده نمی‌شود. در این تعریف نیز به بعد زمان، مکان و همچنین قالب، هزینه و جامعه‌ای که قرار است با اطلاعات سروکار داشته باشند مشخص نشده است.

۶. ریتس در تعریف خود در ابتدا از کنترل ماهرانه صحبت می‌کند و می‌توان این‌گونه استنباط کرد که مفهوم اصول مدیریتی را داراست. از سوی دیگر عبارت زیرساخت فنی می‌تواند نشان‌دهنده توجه به مفهوم ابزارهای فناوری باشد. از میان تعاریفی که در اینجا ارائه شده‌اند، در این تعریف، نکته‌ای دیده می‌شود و آن توجه به کنترل بر ایمنی سازی اطلاعات است. این تعریف نیز از نقطه نظر توجه به زمان، مکان، قالب مناسب، هزینه دسترسی به اطلاعات و در دسترس

قرار دادن آن و به طور کلی هزینه‌های مربوط به مدیریت اطلاعات و جامعه‌ای که قرار است اطلاعات در اختیار آن‌ها قرار گیرد، ضعف دارد.

۷. الیس در بیان مفهوم مدیریت اطلاعات به نکته‌ای اشاره می‌کند که در تعریف ویکرز نیز دیده می‌شود و آن توجه به بحث ارزش افزوده اطلاعات است. یعنی از اطلاعات بیش از آنچه انتظار می‌رود یا بنظر می‌رسد، تأثیر و کارآیی دیده شود. در ادامه معتقد است این اطلاعات با ارزش از یک سو بعنوان ناظر در کلیه امور حضور دارند و ایفای نقش می‌کنند و از سوی دیگر به کمک مدیران می‌آیند تا بتوانند مدیریتی منظم و سیستماتیک داشته باشند. نکته خاص این تعریف در جمله نهایی آن قرار دارد: توجه به اطلاعات بعنوان کاتالیزور در فرایند تصمیم‌گیری. اگرچه این نکته بصورت مفهومی در برخی از تعاریف دیده می‌شود ولی در تعریف الیس این نکته در جایگاه خوبی قرار گرفته است. آنچه که در این تعریف نیز مانند بسیاری از تعاریف دیده نمی‌شود، توجه به زمان، مکان، جامعه، قالب و هزینه‌های مدیریت اطلاعات است.

۸. نکته قابل توجهی که در تعریف بست دیده می‌شود این است که با روندی کاملاً متفاوت نسبت به سایر تعاریف شروع می‌کند و توجه به جنبه اقتصادی را در ابتدای تعریف قرار می‌دهد. این تعریف ابعاد مهم مدیریت اطلاعات را پوشش می‌دهد ولی عدم توجه به زمان، مکان، قالب و جامعه‌ای که اطلاعات قرار است برای آن‌ها تأمین شود در آن دیده می‌شود.

۹. این اثر در ادامه‌ی تعریف خود از مدیریت اطلاعات، مدعی است که اکثر شرکت‌های بزرگ از عملکردی متمرکز برای تسهیل هماهنگی این روش استفاده می‌کنند. فن‌آوری‌های اصلی مورد نیاز، شامل مجموعه‌ای از ابزارهای مدل‌سازی. نقص این تعریف در این است که به اطلاعات مناسب و ارزشمند، زمان، مکان و قالب مناسب اطلاعات، هزینه‌های مرتبط و جامعه‌ی مورد نظر توجه نشده است.

۱۰. در این تعریف سعی شده است تا مدیریت را به عنوان بستر اصلی جهت مدیریت اطلاعات معرفی کند و از بعدی متفاوت به این مفهوم نگاه شده است. نکته اینکه، تکنیک‌های مدیریت را بعنوان ابزارهایی که مدیریت اطلاعات از آن‌ها استفاده می‌کند، در نظر می‌گیرد. این

تعریف با دیدی متفاوت نسبت به تعریف گارتنر، بیشتر به جنبه مدیریتی توجه کرده و از ابزارهای مرتبط توجه به ارزشمندی و مناسب بودن اطلاعات، زمان، مکان، قالب، هزینه و جامعه مورد نظر نامی نمی‌برد.

۱۱. شاه‌شجاعی این تعریف را از دایره‌المعارف بین‌المللی کتابداری و اطلاع‌رسانی نقل می‌کند. در این تعریف توجهی به ابزار نشده است و تنها به جنبه مدیریتی اشاره شده است، ولی به بعد زمان، مکان، قالب مناسب، هزینه‌های مرتبط و جامعه مورد نظر توجه نشده است.

۱۲. نکته‌ی قابل توجه این تعریف، اشاره به بحث دانش و توانایی است. مطمئناً این دو واژه به صورت تصادف در کنار یکدیگر قرار نگرفته‌اند. بلکه منظور توجه به توانایی مدیر اطلاعاتی است و توجه بیشتر به اینکه دانش به تنهایی نمی‌تواند در این فرایند مؤثر واقع شود. بلکه لازم است توان استفاده از این دانش وجود داشته باشد. در این تعریف، اشاره‌ای به به-کارگیری اصول و مهارت‌های مدیریت، ابزار لازم برای اجرای این فرایند، زمان و مکان، قالب ارائه اطلاعات، هزینه‌ها و هدف اشاره‌ای نشده است.

۱۳. در این تعریف بعد زمان و مکان، هزینه و جامعه مشخص نشده است.

۱۴. به نظر می‌رسد تعریفی که یوسفی از مدیریت اطلاعات ارائه می‌دهد، یکی از تعاریف کامل در این زمینه است که تعداد بیشتری از مؤلفه‌های مهم را در بر می‌گیرد. با این حال در این تعریف اشاره‌ای به حضور اصول مدیریت و علاوه بر این ابزار مدیریت اطلاعات نشده است.

در جمع‌بندی تعاریف باید گفت، تقریباً تمامی این تعاریف به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به این نکته اشاره می‌کنند که نقطه توجه مدیریت اطلاعات، تولید، فراهم‌آوری، سازمان‌دهی، دسترس‌پذیری، اشاعه، استفاده و بازیابی اطلاعات است. ابعادی که عمدتاً در مدیریت سنتی اطلاعات دیده می‌شوند و کمتر به ابعاد جدید مدیریت اطلاعات توجه شده است. در مجموع این تعاریف، ۴ تعریف به گونه‌ای ارائه شده‌اند که می‌توان این‌گونه استنباط کرد که جایی برای پذیرش ابعاد جدید مدیریت اطلاعات گذاشته‌اند. این چهار تعریف، مربوط به ویکرز (۱۹۸۵)، رولی (۱۹۹۸)، الیس (۲۰۰۹) و بست (۲۰۱۰) است. دو تعریف از تعاریف قدیمی‌تر و دو تعریف

از تعاریف نسبتاً جدید. بنابراین می توان گفت نقطه قوت یک تعریف آینده نگر آن است. شاید زمانی که ویکرز در سال ۱۹۸۵ مدیریت اطلاعات را تعریف کرد، چندان صحبتی از مدیریت نوین اطلاعاتی به میان نیامده بود ولی توجه به این نکته، حاکی از آینده نگرایی وی است. ولی از سوی دیگر بخش عمده ایی از تعاریف فوق به بعد زمان، مکان، قالب اطلاعات و هزینه های مرتبط اشاره نکرده اند که نقطه ضعف مشترک آن ها محسوب می شود.

از این لحاظ که از چه جنبه هایی به مدیریت اطلاعات توجه شده است، ۳ مورد از تعاریف، شامل تعریف ویلسون، واژه نامه تجارت و دایره المعارف بین المللی کتابداری و اطلاع رسانی تنها از بعد مدیریتی به این مفهوم پرداخته اند. ۲ تعریف، شامل تعریف لافان و واژه نامه گارتنر تنها از بعد فناوری و ابزارهای مرتبط در این زمینه، به مفهوم مدیریت اطلاعات پرداخته اند. ۲ تعریف، شامل تعریف حسن زاده و ریتس از هر دو بعد به این مفهوم توجه کرده اند، هم بعد مدیریتی و هم بعد ابزارهای فناوری. و ۲ تعریف باقیمانده، شامل تعریف فتاحی و یوسفی به طور مستقیم به هیچ کدام از این ابعاد توجه نکرده اند.

با در نظر گرفتن این نکات، تعریف زیر برای مدیریت اطلاعات ارائه می شود:

به کارگیری اصول مدیریتی و ابزارهای مناسب^۱ در فرایندهای مربوط به اطلاعات^۲ با هدف دسترس پذیر ساختن اطلاعات ارزشمند^۳، در زمان و مکان و قالب مناسب^۴ با کمترین هزینه^۵ برای افراد مناسب^۶ به منظور بهبود تصمیم گیری و ارتقا^۷

مؤلفه های موجود در این تعریف با شماره مشخص شده اند که در ادامه به تشریح آن ها پرداخته شود.

۱. بهتر است مهارت های مدیریتی و ابزارهای مناسب (که می توانند شامل ابزارهای فن آوری باشند) در کنار یکدیگر در فرایند تولید، پردازش، اشاعه و استفاده از اطلاعات به کار گرفته شوند و نقشی موازی یا مکمل ایفا نمایند.
۲. در این تعریف، سعی شده است فرایندهای نوین و سنتی، هردو، پوشش داده شوند. فرایندهای نوین می توانند شامل تولید اطلاعات، شناخت نیازهای، منابع و خدمات

- اطلاعاتی، فراهم آوری اطلاعات، سازماندهی اطلاعات، اشاعه اطلاعات، جستجوی اطلاعات، دسترسی به اطلاعات، استفاده از اطلاعات، ارزیابی اطلاعات و ... باشند.
۳. هر نوع اطلاعاتی نمی تواند ارزشمند محسوب شود. اطلاعات ارزشمند به آن دسته از اطلاعاتی اطلاق می شود که در کاهش آنتروپی تاثیرگذار هستند. از سویی هر اطلاعاتی بویژه در یک سازمان نمی تواند درست باشد. تشخیص اطلاعات درست از نادرست (صره از ناصره) بر عهده سازمان خواهد بود.
۴. "زمان، مکان و قالب": زمان در ارزش گذاری اطلاعاتی تاثیر دارد. اطلاعاتی که در یک زمان سودمند محسوب می شوند، ممکن است در زمان دیگر سودمند نباشند یا به اندازه قبل سودمند نباشند. همین ویژگی در مورد "مکان" نیز صدق می کند. قالب اطلاعات یکی از مواردی است که در سهولت استفاده از آن تاثیر دارد.
۵. سوالی که مطرح است اینست که آیا تامین اطلاعات به هر قیمتی ارزشمند است؟ پاسخ این سوال در تعریف قرار داده شده است.
۶. هر اطلاعاتی لزوما در اختیار هر فردی قرار نمی گیرد. از این رو حضور عبارت "افراد مناسب" در تعریف فوق تبیین می شود.
۷. نهایتا تمامی این فرایندها، با هدف کلی بهبود تصمیم گیری و ارتقاء انجام می گیرد. چنانچه این پیش فرض را بپذیریم که اطلاعات، قدرت است، بنابراین تصمیم گیری های مبتنی بر اطلاعات نیز از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و تصمیم گیری قدرتمندی محسوب می شوند. بنابراین هدفی که ما از این فرایند داریم تعیین کننده است. چنانچه هدف در یک سازمان تبیین شود، می تواند منجر به بهبود تصمیم گیری و ارتقاء سطح سازمان منجر شود.

بحث و نتیجه گیری

نیاز برای بدست آوردن دسترسی مناسب، سریع و مقرون به صرفه به اطلاعات موردنیاز، توجه به بکارگیری روشهایی به منظور مدیریت و بکارگیری اطلاعات در سازمانها را ضروری می سازد. از زمانیکه اطلاعات اولیه وارد سازمان می شوند، به شکلهای مختلف ثبت می شود، بررسی و ارزیابی می شود، به جریان می افتد، در واحدهای مختلف منتقل می شود، بکار گرفته می شود، ذخیره شده و در زمان لازم مجدداً بازبینی می شود، در واقع مدیریت اطلاعات در حال انجام بوده است. مدیریت اطلاعات مستلزم سازماندهی، بازبینی، کسب، تامین و حفظ اطلاعات است.

این اثر بدنبال تبیین مفهوم مدیریت اطلاعات بوده است. در این راه به تاریخچه و سیر تکاملی مدیریت اطلاعات توجه نمود. با در نظر گرفتن سیر تحول تاریخی مدیریت اطلاعات می توان گفت این پدیده همراه با پیشرفت فن آوری و علم رایانه گسترش یافته است و نه بدنبال آنها. در واقع پیشرفت های فن آوری باعث شدند تا توجه به بحث مدیریت اطلاعات بیشتر شود. یکی از مواردی که لازم است به آن اشاره شود اینست که همواره بحث هایی در این رابطه که مدیریت اطلاعات بیشتر به کدام رشته نزدیک است وجود داشته است و سه رشته مدیریت، کتابداری و اطلاع رسانی و فناوری اطلاعات از مدعیان اصلی بوده اند. ولی در عمل هر سه رشته و سایر رشته های مدعی، کم کاریهایی در راستای تبیین مفهوم مدیریت اطلاعات و کارکرد آن و همچنین توجه به سیر تحول تاریخی آن داشته اند.

با توجه به بررسی و پژوهشهای نگارندگان، در مجموع تعاریفی که در این رابطه یافت شدند، از جنبه های مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند، وجوه اشتراک و افتراق آنها بیان شدند و نهایتاً تعریف نگارندگان در این زمینه ارائه شد. مدیریت اطلاعات عبارتست از بکارگیری اصول مدیریتی و ابزارهای مناسب در فرایندهای مربوط به اطلاعات که با هدف در دسترس ساختن اطلاعات ارزشمند، در زمان و مکان و قالب مناسب، با کمترین هزینه، برای افراد مناسب صورت می گیرد و نهایتاً منجر به بهبود تصمیم گیری و ارتقا دانش فردی و سازمانی خواهد

شد. در این تعریف سعی شده است تا به ابعاد مدیریت نوین اطلاعات، توجه شود و جنبه آینده نگری را نیز در بر گیرد.

مدیریت اطلاعات از جمله مفاهیم بسیار گسترده است، و به همین دلیل از یک سو در زمینه ها و علوم دیگر تاثیر گذار خواهد بود و از سوی دیگر خود نیز تاثیر پذیر خواهد بود. یکی از زمینه هایی که می تواند باعث تحول در کاربردها و جنبه های مدیریت اطلاعات شود، تکنولوژیهای نوین اطلاعاتی هستند. تکنولوژی هم باعث رونق اولیه مفهوم مدیریت اطلاعات خواهد شد و هم در گسترش های آتی آن و تغییر نقشهای آن موثر خواهد بود. بنابراین هیچ اثری نمی تواند تعریف ثابت و مشخصی از مدیریت اطلاعات برای همیشه ارائه کند. چراکه این مفهوم همچنان با تاثیرگذاری بر و تاثیرپذیری از سایر رشته ها و علوم تغییر خواهد کرد.

فهرست منابع

شاه شجاعی، علی (۱۳۷۷). مدیریت اطلاعات و فناوری های اطلاع رسانی در عصر فراصنعتی. فصلنامه کتاب، دوره نهم (شماره ۲)، ۲۵-۳۳.

یوسفی، امین (۱۳۸۵). چالش ها و تنگناهای مدیریت و بازیابی اطلاعات. مجله الکترونیکی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، دوره پنجم (شماره سوم)، بازیابی ۴ آبان ۱۳۹۲، از http://www.irandoc.ac.ir/data/e_j/vol5/yosefi.htm

فتاحی، رحمت اله (۱۳۸۳). جزوه درس سمینار مدیریت اطلاعات (دوره دکتری کتابداری و اطلاع رسانی ورودی ۱۳۸۱: نیمسال دوم تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲). مشهد: دانشگاه فردوسی، گروه کتابداری و اطلاع رسانی.

حسن زاده، محمد (۱۳۸۴). مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش (رویکرد مقایسه ای). اطلاع شناسی. دوره ۳ (شماره ۱ و ۲)، ۷-۲۱.

David p best. The future of information management (2010). *Records management journal*, 20 (1) 61-71. DOI: 10.1108/09365691011039834. Retrieved 7 December, 2013, from: <http://www.emeraldinsight.com/0956-5698.htm>.

- Reitz, Joan M. (2004). *ODLIS: Online Dictionary of Library and Information Science. Information management*. 2004. Retrieved 8 December, 2013, from <http://www.abc-clio.com/ODLIS/odlis-i.aspx>.
- White, martin (1985). *Intelligence management. Information management: from strategies to action*. Edited by blaise Cronin. London. ASLIB. Pp. 19-35.
- Vickers, pitter (1985). *Information management: setting a concept. Information management: from strategies to action*. Edited by blaise Cronin. London. ASLIB. Pp. 49-60
- Wilson, T.D. (1989). *Towards an information curriculum*. Retrieved 1 December 2013, from: <http://informationr.net/tdw/papers/infomagt89.html> .
- Wilson, T.D. (1997). "Information management", in *International Encyclopedia of Information and Library Science*, pp. 187-196. London: Rutledge.
- Rowley. J. (1998). Towards a framework for information management. *International journal of information management*. 18 (5): pp. 359-69.
- Laffan, b. (2001). *Willpower information homepage*. Retrieved 1 december, 2013, from <http://www.willpower.demon.co.uk/nforman.htm>.
- Ellis, p., C.desouza. K. (2009). On information management environmental sustainability and cradle to cradle mentalities: a relationship framework. *Business information review*, 26 (4): pp.257-264. DOI: 10.1177/0266382109349639. Retrieved 7 December, 2013, from: <http://bir.sagepub.com/content/26/4/257>.
- Choo, C.W. (1998) *Information management for the intelligent organizations: the art of scanning the environment*. Medford, NJ: Information Today, Inc.
- Gartner IT glossary. Retrieved 16 October, 2013, from <http://www.gartner.com/technology/home.jsp>.
- Business Dictionary. Retrieved 16 October, 2013, from <http://www.businessdictionary.com/definition/information-management.html>.
- Chisholm, M. (2010). *Definitions of information management: a guide to the fundamental semantic metadata. Design media*.
- Ravi Chandra Rao. I.K. (1999). Information management: scope, definition, challenges and issues. *DRTC workshop on information management*, 6-8 January.
- Davison-Truly, W. (2005). Blogs and RSS: powerful information management tools, *library Hi tech news*, pp. 28-29.
- Black, A., Brunt, R. (1999). Information management in business, libraries and British military intelligence: towards a history of information management. *Journal of Documentation* 55(4).

- Edwards, E. (1859). *Memoirs of libraries: including a handbook of library economy*. London [Leipsic printed].
- Roebuck, G.E. and Thorne, W.B. (1904). *A primer of library practice for junior assistants*. London: Putnam's.
- The Croydon Crank. (1908). Magazine of the Croydon Public Libraries Staff Guild, vol.1.
- Wigand, W. (1996). Irrepressible reformer: a biography of Melville Dewey. Chicago: American Library Association, pp. 70-77.
- Wikipedia contributors, "Information management," Wikipedia, The Free Encyclopedia ,
http://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Information_management&oldid=499568601(accessed June 27, 2014).